

حکمتیست ۱۵۶

۱۷ آوریل ۲۰۱۷ - ۲۸ فروردین ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

انتخابی در کار نیست

در مراسم تحقیر و اعلام بی حقوقی خود شرکت نکنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

بار دیگر در ایران زمان برگزاری نمایش تکراری "انتخابات" رئیس جمهوری، زیر حاکمیت خفقان و استبداد مطلق و ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی، زمان تبدیل "کشتی گیری" چهار سال یکبار جناح های حکومتی، و زمان نمایش "انتخابات" رسیده است. انتخابات امسال اما در دوره و فضایی متفاوت، در فضایی مملو از بی اعتمادی مطلق اکثریت مردم محروم جامعه ایران نسبت به همه جناح های جمهوری اسلامی، برگزار میشود. ←

باز هم انتخابات،

باز هم فریب، باز

هم فرصت طلبی!

دفتر کردستان حزب

حکمتیست - خط رسمی

انتخابات ریاست جمهوری و شوراها در ایران همیشه فرصتی برای جمهوری اسلامی بوده تا خود را بازسازی کرده، تغییر آرایش بدهد و بحران اقتصادی و سیاسی را از گردن رئیس جمهور و دولت پیشین باز کرده و به گردن رئیس و دولت جدید بیاویزند. این خراب کرد ببینیم آن یکی چه می کند! یا ۴ سال دیگر به همین که هست فرصت بدهید تا کارهای نکرده را تکمیل کند!

قوه اجراییه با رئیس جمهور و دولت و شوراهاشان تنها نقش ضربه گیر نظام را بر عهده دارند. این ها را می خواهند تا فردا بگویند دولت مقصر و ناتوان است وگرنه نظام خوب کار می کند. در کنار سرکوب، این یک طریقه دیگر حفظ نظام است. .. صفحه ۴

به کارگران و فعالین کارگری در

کردستان



مظفر مممدی، دبیر دفتر کردستان

حزب حکمتیست - خط رسمی

دوستان، رفقا!

اول مه روز جهانی کارگر علاوه بر اهمیت تاریخی اش بعنوان سمبل اتحاد طبقاتی کارگران در سراسر جهان، این روز در کردستان و بخصوص در شهر سنجع تجارب گرانبهایی دارد. سال قبل، تلاش خانه کارگر و توصیه ها و تبلیغات جریانات و گرایشات معین برای کشاندن کارگران به مراسم خانه کارگر به همت طیفی از فعالین و رهبران واقعی کارگری، شکست خورد. این درس بسیار مهمی برای شما در برگزاری اول مه مستقل کارگران در سال جاری است. بعلاوه تجارب سالهای اخیر به ما نشان داده است که هر اندازه تلاش و فداکاری طیفی از فعالین و گرایشات چپ برای بزرگداشت اول مه بدون حضور خود کارگران و خانواده هایشان، نتوانسته و نمی تواند تصویر قدرتمندی از طبقه کارگر به جامعه و به خود کارگران بدهد. برعکس هر تحرکی به نام کارگر و به نیابت از کارگران، علیرغم هر تعلق خاطری به کارگر و علیرغم هر وفاداری به اول مه، نفعی عاید توده کارگران و خانواده هایشان نکرده است.

اول مه روز کارگر است. روز جشن طبقاتی و ابراز وجود اجتماعی کارگران است. روشن است این قدرت نمایی طبقاتی بدون دخالت و حضور وسیع و گسترده کارگران و خانواده هایشان ممکن نیست. ... صفحه ۳

به این توحش باید خاتمه داد!

فواد عبدللهی

امروز ۱۷ آوریل، معروف به روز "اسرای فلسطینی"، نزدیک به دو هزار نفر از زندانیان فلسطینی که تنها به جرم فلسطینی بودن، سالهاست در زندانهای دولت اشغالگر اسرائیل محبوس شده اند، با صدور بیانیه ای ۱۳ ماده ای در اعتراض به وضعیت زندانها و شرایط خود وارد یک اعتصاب غذای سراسری شده اند. اقدامی در همبستگی با شش هزار زندانی فلسطینی که به جرم "سیاسی - امنیتی" در زندانهای دولت اسرائیل به زنجیر کشیده شده اند. زندانیان منجمله خواهان اجازه دادن به سازمان جهانی صلیب سرخ برای بازدید ماهانه و کنترل وضعیت زندانیان فلسطینی شده اند. به گزارش سازمان های مختلف بیش از ۷۰۰۰ فلسطینی از جمله ۳۰۰ کودک در زندانهای اسرائیل در اسارت هستند. زندانیانی که در آمار "جامعه جهانی" زندانی سیاسی محسوب میشوند. ظاهرا اسرائیل کشوری است "متعهد به حقوق بشر" که از نقطه نظر مجامع بین المللی زندانی سیاسی ندارد!! زندانی کردن همین یک قلم ۳۰۰ کودک به جرم سیاسی در قاموس هرکس که بوسی از عدالت برده باشد، چیزی جز ادامه قلدری، ادامه سیاست پاکسازی های قومی- مذهبی در خاورمیانه، ادامه قتل عام مردم بی دفاع فلسطین توسط سربازان و تانکها و هلیکوپترهای یک دولت فاشیست نیست. اگر قرار است در این جهان مکانی برای محاکمه جانیان دایر شود باید قبل از همه، تمام سران ریز و درشت حزب فاشیست لیکود را به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کنند. اما این به خودی خود کافی نیست؛ ارتجاع نهادهای شده در اسرائیل به اینجا ختم نمیشود. شاکوده نظام موجود در اسرائیل بر مبنای مذهب و قومیت طراحی شده است. ضد عرب است. باید به این توحش پایان داد! پایان دادن به این قلدری، به تعرض آشکار به زندگی انسانها به جرم قومیت، مذهب و مخالفت سیاسی بعنوان یک عرصه مهم نبرد برای کسب امنیت و صلح در منطقه، دست طبقه کارگر و جنبش کمونیستی در اسرائیل را می بوسد. تنها این جنبش است که میتواند بر ویرانه های یک اسرائیل قومی - مذهبی، پیش درآمد یک نظم و نظام سکولار در خاورمیانه شود.

آزادی
برابری
حکومت کارگری

انتخابی در کار نیست ...

دوره برگزاری انتخابات در شرایط: سوختن ورق "اصلاح رژیم"، سوختن ورق "اعتدال در اسلامیت رژیم"، تمام شدن ارزش مصرف فواید چرخش در سیاست خارجی، سوختن ورق گشایش سیاسی - اقتصادی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، و دوره تمام شدن بازی با همه ورق های قدیمی، است. انتخابات امسال، از این زاویه، و در شرایط کیسه خالی هر دو جناح، برای جمهوری اسلامی معضلی جدید است. تبدیل روز ثبت نام کاندیداتوری رئیس جمهوری به روز اعتراض به فقر، به بیکاری، به بی حقوقی زن، به فساد مالی دولت و سران حکومتی، به قوانین ارتجاعی اسلامی حاکم در جامعه، نه فقط اعلام آشکار بی اعتمادی مطلق پائین به بالا که اعلام علنی مسخره و پوچ بودن نمایشی است که قرار است به نام "انتخابات" برگزار شود.

بیهوده نیست از ولی فقیه و بیت امام تا روحانی و اصلاح طلب، از احمدی نژاد تا نیروها، جریانات دست راستی اپوزیسیون، سوت و کور بودن بساط انتخابات را هشدار میدهند و همگی چمپاته زنده اند که بالاخره با کدام ترفند و فریب، با

ترساندن مردم از کدام "خطر" یا "هیولا" تنور انتخاباتشان را گرم کنند، مردم را فریب دهند و آنها را پای صندوق رای ببرند. اگر دوره ای صف رنگارنگی از سران و مهره های رژیم تا جریانات راست پرو حکومتی، در حمایت میدبای دست راستی غرب، میتوانستند شرکت در انتخابات را بعنوان فرصتی برای تشدید شکافها و بعنوان امکانی برای عقب راندن جمهوری اسلامی به خورد مردم بدهند، امروز این حربه را تماما از دست داده اند. سوختن ورق "اصلاح طلبی" و "اعتدال"، در شرایط پسابرجام و پایان یافتن "جنگ مرگ و زندگی" بین جناح ها، اپوزیسیون دورن و برون حکومتی طرفدار نظام را، تماما خلع سلاح کرده است.

اگر دوره ای روی استیصال و بی افقی مردم سرمایه گذاری کردند و آنها را پای صندوقهای مارگری "انتخابات" بردند، امروز بی افقی و سکوت جای خود را به اعتراض و "رای نهمیدم" داده است. اگر دوره ای انتخاب رفسنجانی، خاتمی، یا کشیدن مردم به خیابانها به بهانه "رای من کو" و بالاخره انتخاب روحانی را انتخابی علیه "نظام" و ولی

فقیه، امید به اصلاح و دمکراتیزه شدن رژیم، افق گشایش اقتصادی و فرصتی برای نفس کشیدن به جامعه قالب کردند، امروز پس از سوختن آس "اعتدال"، تمام قد و بی آلترناتیو در مقابل مردم قرار گرفته اند. جمهوری اسلامی امروز نه راه بازگشت به عقب و حاکمیت "دوران طلایی امام" و بازار پان اسلامیستی و حفظ اسلامیت نظام را دارد و نه راه فراری به جلو برای در انتظار نگاه داشتن مردم!

نه رئیسی "هیولاتر" و "خط امامی تر" از روحانی است و نه احمدی نژاد "سرکش" ضد نظام و ولی فقیه! جنگ داخلی اینها هرچه باشد، جمهوری اسلامی با رئیس جمهور معمم یا مکلاهی خود، از اصولگرای خط امامی تا اصلاح طلب و معتدل آن، حکومت اقلیتی سرمایه دار مفتخور، است. این حکومت ضد زن، ضد شادی، حکومت تداوم تحمیل بی حقوقی کامل به اکثریت جامعه، حکومت فقر، حکومت خفقان است که صرفا با اتکا به دستگاه سرکوب خود از سپاه پاسداران و ارتش، وزارت اطلاعات تا گله انصار الله و دستگاه مذهب، سر پا ایستاده است.

مردم آزادیخواه!

نباید اجازه داد جمهوری اسلامی و شارلاتانهای سیاسی طرفدار آن، بن بست و استیصال خود را به بن بست و استیصال ما تبدیل کنند. نباید اجازه داد نوکران و نان به نرخ روز خوره های شان به نام اپوزیسیون و میدیا، با علم کردن "خطر تندروها"، "خطر ترامپ" و جهنم سوریه، ما را به تمکین و شرکت در این نمایش مسخره بکشانند. باید روز انتخابات و حوزه های انتخاباتی را به میدان و صحنه قدرت نمایشی خود تبدیل کنیم. باید به جای شرکت در نمایش مسخره "انتخابات"، آنرا به محملی برای اعلام خواست آزادی و برابری، خواست رفاه همگانی، خواست کوتاه کردن دست مذهب از زندگی خود، تبدیل کرد.

اگر کل دستگاه تبلیغاتی و ارگانهای حاکمیت در تلاشند با فریب، ما را پای صندوق رای ببرند و به حاکمیت خود مشروعیت بخشند، در مقابل باید همه جا در مراکز کار، دانشگاه، محلات و...، ما کارگران، ما زنان و ما آزادیخواهان در تجمعات خود اعلام کنیم این انتخابات ما نیست. کمترین انتخاب ما جامعه ای انسانی، آزاد و مرفه است! باید به جمهوری اسلامی و

اعوان و انصارش که از تبدیل شدن خشم و نفرت ما به نیرویی متحد برای به زیر کشاندشان نگراند، و ما را به "انتخاب بین بد و بدتر" میکشانند، فهماند که ما صف میلیونی کارگر، زن و مرد، جوان و پیر در اعتصابات و اعتراضات کارگری، در اول مه ها، ۱۶ آذر ها، ۱۸ تیر ها، هشت مارس ها، در جنبش دفاع از حق کودک، جنبش ضد اعدام، جنبش رهایی زن، با شعار "آزادی و برابری"، مدت ها است انتخاب خود را کرده ایم. باید اعلام کرد ما در نمایش وقیحانه بی قدرتی و تحقیر خود، در مراسم رسمی اعلام بی حقوقی خود شرکت نمیکیم. انتخابات امسال را باید به محملی برای تقویت جنبش مستقل و انقلابی خود علیه کلیت سیستم و حاکمیت و همه طرفدارانش تبدیل کنیم. باید اعلام کرد هر "انتخاباتی" با وجود جمهوری اسلامی مردود است. انتخابات ما بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی ایران با امید به آینده ای بهتر، برگزار میشود!

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست (خط رسمی)
۱۷ آوریل ۲۰۱۷ (۲۸)
فروردین ۱۳۹۶

زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



به کارگران و فعالین...

تا کنون رسم بر این بوده است که تعدادی از فعالین گرایشات سیاسی معین بدون پشتوانه کارگری و بعنوان ائتلافی از چپ‌ها و دوستداران کارگران، کمیته تدارک اول مه را سازمان داده‌اند. در حالیکه تدارک واقعی زمانی است که با حضور و دخالت فعالین و رهبران عملی و کارگران پیشرو مراکز بزرگ و کوچک کار و محلات کارگری که هر کدام ده‌ها و صدها کارگر همکار و هم‌محله و خانواده‌هایشان را پشت سر و در کنار خود دارند، انجام گردد.

فعالین و رهبران و پیشروانی از تشکل‌های کارگری، مراکز و بخشهای بزرگ کار، کارخانه‌های متعدد، خبازی‌ها، کارگران فصلی، شهرک‌های صنعتی، کارگران شهرداری‌ها و غیره در هر شهری و در سراسر کردستان، در مشورت با هم، به تدارک برگزاری مراسم اول مه می‌پردازند. این تدارک نه در کوه انجام می‌شود و نه در خانه‌های مخفی. این تدارک در مراکز کار و در محلات کارگری و بطور علنی در میان کارگران و خانواده‌هایشان به انجام می‌رسد. فعالین و پیشروان دلسوز و محبوب صفوف خود کارگران در ارتباط و هماهنگی با همدیگر، هر کدام می‌روند و کارگران محل کار و خانواده‌های کارگران در محلات کارگری را برای بزرگداشت روز کارگر بسیج می‌کنند.

در طول هفته‌ها و روزهای مانده به روز کارگر، هر کارگر آگاه و محبوبي در کارخانه و مراکز بزرگ و کوچک کار در اوقات فراغت، در تجمعات کارگری و محافل و پاتوق‌های

کارگران و در میان خانواده‌های کارگری، همکاران و همسروشان خود را مورد خطاب قرار می‌دهند و آنها را برای مراسم روز خود آماده و بسیج می‌کنند.

اتفاقی که خواهد افتاد این است که روز کارگر هزاران کارگر و خانواده‌هایشان برای برگزاری مراسم به‌رشد و شیوه‌ای که خود تعیین می‌کنند، آماده می‌شوند.

چه کسی می‌تواند جلو موج عظیم کارگرانی که از همین حالا و تا آن روز آماده و بسیج شده‌اند را بگیرد. چه نیرویی می‌تواند تجمع هزاران و ده‌ها هزار کارگر و خانواده‌هایشان را بر هم زند. اگر تشکل دولتی و بدنامی مثل خانه کارگر می‌تواند تعدادی کارگر را به نمایش مجیزگویی از دولت و سرمایه‌داران بکشد، چرا خود فعالین و رهبران و کارگران آگاه و دلسوز و محبوب صفوف طبقه کارگر نتوانند ده‌ها و صدها برابر خانه کارگر، هم طبقه‌ای‌های خود را از زن و مرد و کودک به مراسم مستقل و ابراز وجود طبقاتی‌شان بسیج کنند. اگر این کار اتفاق بیفتد خانه کارگر و دولت را از نمایش ضد کارگری به نام هفته کارگر یا مراسم به مناسبت اول مه پشیمان می‌کند. روز کارگر،

جشن طبقاتی کارگران است. روزی است که طبقه کارگر به‌مثابه یک طبقه جهانی ادعای نامه‌اش را علیه نکبت‌های نظام سرمایه‌داری و کار و بردگی مزدی اعلام می‌کند. کارگران در کردستان اعلام می‌کنند بعنوان بخشی از کل طبقه کارگر ایران، تقسیم کارگر به قومیت و ملیت و نژاد و مذهب و کشور را مردود می‌دانند. اعلام می‌کند که همسروشتی طبقاتی کارگران مرز نمی‌شناسد. اعلام می‌کند که تلاش ناسیونالیسم کرد برای رنگ قومی زدن به مبارزات کارگران و زحمتکشان کردستان برای آزادی و رفاه و امنیت، مذموم و غیر قابل قبول است. اعلام می‌کند که سرافروزدن ناسیونالیست‌ها و لیبرال‌ها و جناح‌های سبز و سیاه جمهوری اسلامی و نهادهای ضد کارگری به نام کارگر و شهردارها و امام جمعه‌ها در مقابل روز کارگر و مجیزگویی

شان، تظاهری بی‌شمارانه و ریاکارانه است. اول مه رمز اتحاد طبقه کارگر جهانی در مقابل کل بورژوازی در حاکمیت و در اپوزیسیون و کلیه نهادها و سنت‌های قومی و فرقه‌ای و مذهبی ضد کارگری در خدمت آنها است. دوستان!

نظام سرمایه‌داری تنها در تفرقه و انشقاق صفوف طبقه کارگر برپا است. دیوارهای این نظام با هر تحرک و تجمع و اتحاد و ابراز وجود طبقاتی و اجتماعی کارگران ترک بر می‌دارد. زمانی که کمونیسم به ابزار مبارزه اجتماعی طبقه کارگر تبدیل شود کل این نظام فرو می‌ریزد. اول مه، روز کارگر امسال می‌تواند روز بازگشت به سنت سوسیالیستی طبقه کارگر و الگویی از اتحاد شما کارگران و فعالین و رهبران صفوف تان با برگزاری تجمعات وسیع و گسترده‌ی خود و خانواده‌هایتان به‌ر شکل

ممکن باشد.

مظفر محمدی

دبیر دفتر کردستان حزب

حکمتیست - خط رسمی

فروردین ۹۶ (آوریل ۲۰۱۷)

باز هم انتخابات...

آنهم برای "شرق کردستان"، نه کردستان ایران که اسمش را عوض کرده‌اند، جواب حل معضلات اقتصادی و سیاسی و معیشت و امنیت مردم کردستان نیستند. این‌ها بخشی ولو کوچک و بازنده در شریک شدن در قدرت‌اند. این‌ها بر تن مردم لباس نژادی و دینی و قومی و خلقی می‌پوشانند تا تقسیم جامعه به طبقات را انکار کنند، تا مبارزه طبقاتی را نفی و فدرالیسم و کنفدرالیسم‌شان را به کارگران و مردم زحمتکش بفروشند. شرکت نکردن در انتخابات و رای ندادن، جزئی از مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان علیه کلیت نظام بورژوازی و سرمایه‌داری و مشقات و مصیبت‌های آن است. انتخاب امروز مردم، تلاش، جدال و مبارزه برای آزادی و رفاه و امنیت برای کلیه شهروندان جامعه است.

دفتر کردستان حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست (خط

رسمی)

فروردین ۹۶ (آوریل ۲۰۱۷)

جمهوری اسلامی و معضل انتخابات

گفت و شنود با

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

آذر مدرسی، خالد حاج محمدی

hekmatist.com

Backa kulturhus Selma Lagerlöfs
torg 24, Hisings Backa

وریا نقشبندی: ۰۷۰۵۸۲۷۵۸۳

تلفن تماس: سیوان رضایی: ۰۷۳۹۲۴۱۳۸۳

شنبه ۲۲ آوریل

ساعت ۲ بعدازظهر

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) یوتیوبی

باز هم انتخابات ...

علاوه بر این انتخابات برای اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی از چپ و راست آن، فرصتی است که شانس خود را بیازماید تا شاید از در رانده شده از پنجره وارد شود و از این نمد برای خود کلاهی بدوزد. چه آنهایی که به دلیل اینکه بازی داده نمیشوند، آنرا تحریم می کنند و چه آنهایی که با گلابه از انتخابات و فضای "غیر دموکراتیک" آن اعلام میکنند "اگر فضا دموکراتیک بود ما هم شرکت می کردیم"، دو روی یک سکه اند.

هر دو این جریانان برای جمهوری اسلامی مشروعیت می خورند. یکی معتقد است که، چون فضای سیاسی دموکراتیک نیست پس نباید در انتخابات شرکت کرد و دیگری می گوید منتظریم ببینیم فضا دموکراتیک می شود بعد درمورد مشروعیت داشتن یا نداشتن رژیم و انتخابات تصمیم می گیریم. کل این جریانات اپوزیسیون چپ و راست در زمین بازی "اصلاح رژیم" می چرخند. اپوزیسیونی که در انتخابات ۸۸ طرفدار جنبش سبز و "رای من کو؟" شدند. همه این ها بازیگران متنوع یک مضحکه اند: "مضحکه انتخابات"

اما صورت مساله در رابطه با طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران چیز دیگری است. از زاویه منفعت طبقه کارگر و زنان و جوانان ایران، مساله انتخابات های پشت سرهم در جمهوری اسلامی، دموکراتیک یا غیر دموکراتیک بودن آن نیست. در بهترین و دموکراتیک ترین شکل ممکن، باز کرسی جناحی از بورژوازی ابقا و یا عوض می شود و دیگر هیچ.

برای ده ها میلیون کارگر و کارمند و معلم و زن و جوان ایرانی انتخابات های پشت سرهم، نه ماهیت جمهوری اسلامی و نه موقعیت نظام سرمایه داری را تغییر می دهد. جز اینکه بر ادامه

سرکوب و استثمار و کار ارزان و بیکاری میلیونی و تبعیض و نابرابری و گسترش فحشا و اعتیاد و فلاکت مهر تائید میزند. کل تلاش بورژوازی حاکم و در اپوزیسیون این است که بر هر اندازه توهم باقیمانده ی توده های زحمتکش به "اصلاح جمهوری اسلامی"، به "گشایش اقتصادی" و "فضای باز سیاسی"، سرمایه گذاری کنند، ادامه حیات و سهم شان از قدرت و ثروت تامین و تضمین گردد.

با نگاهی به جامعه کردستان، نه فقط از این قاعده مستثنی نیست، هیچ، بلکه فضا آلوده تر و آشفته تر است.

بخشی از ناسیونالیسم کرد که تا دیروز درب کنسولگری جمهوری اسلامی در اربیل را از پاشنه می کردند تا بعنوان جزیی ولو ناچیز از نظام مقبول و در آن ادغام شوند، وقتی جواب منفی گرفتند، امروز بیانیه مشترک تحریم انتخابات امضا می کنند. بخش دیگر که پرچم راسان و جنگ نیابتی عربستان در کردستان را برافراشته است، راه دیگری جز تحریم انتخابات برای خود باقی نگذاشته است.

جناح دیگر ناسیونالیسم کرد یک روز به نام "پژاک"، بعنوان شاخه نظامی پ ک ک در کردستان ایران، به میدان می آید و روز بعد بنا به کش و قوس های رابطه جمهوری اسلامی و پ ک ک، لباس نظامی را از تن در آورده و آرم مدنی به سینه می زند و خود را "جامعه دموکراتیک شرق کردستان"، (کودار) می نامد تا بلکه در این لباس مقبول جمهوری اسلامی واقع شود. این بخش هم تا همین لحظه منتظر "دموکراتیزه شدن" سیاست جمهوری اسلامی است تا موضع خود در مورد انتخابات را اعلام کند! این ها می گویند، برای این که جمهوری اسلامی از فشار از پایین مردم و تهدیدات خارجی مصون بماند باید دموکراسی را تمرین کند و زمانی این دموکراسی مقبول واقع می شود که ما هم در سوخت و سازش

و از جمله در انتخاباتش شریک شویم! سهم خواهی از قدرت و ثروت بهر قیمت، از مذاکره با ماموران اطلاعاتی تا راه اندازی "راسان" و جنگ نیابتی عربستان و تا تغییر لباس و نام از "پژاک" به "کودار" و ادامه حیات در شکاف رقابتیهای کشورهای منطقه، کل سیاست و استراتژی و آرمان و اهداف ناسیونالیسم بورژوازی کرد را تشکیل می دهد. استراتژی، سیاست و اهدافی که هیچ سختی با منافع کارگران و مردم زحمتکش کردستان ندارد و تماما علیه آن است.

کارگران و مردم کردستان در انتخابات جمهوری اسلامی شرکت نمی کنند. مردم برای انتخابات هیچ قید و شرطی ندارند. مردم منتظر "دموکراتیزه شدن" سیاست در جمهوری اسلامی نیستند. مردم توهمی به گشایش اقتصادی و فضای باز سیاسی از جانب بورژوازی حاکم بر ایران ندارند. کلیت این نظام با جناح های اصلاح طلب و دموکراسی خواه و نظامی و امنیتی اش برای کودن ترین فرد جامعه شناخته شده و امتحان پس داده است. برای هر کسی بویی از سیاست برده باشد، معلوم است که روحانی کماکان بهترین گزینه برای جمهوری اسلامی است.

شرکت نکردن در انتخابات و رای ندادن به معنای "نه" به کل این نظام است. توهم ها باید ریخته باشند، انتظارات باید پایان کشیده باشد، انتخاب طبقه کارگر ایران، کارگران کردستان و مردم زحمتکش، متحد و متشکل شدن و رهبری و سازماندهی یک مبارزه بی امان برای آزادی و معیشت و امنیت است. توقع و توهم و انتظار اینکه آزادی و رفاه و امنیت از درون جمهوری اسلامی حاصل شود، خودفریبی و بلاهت محض است. طبقه کارگر در سراسر ایران و کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان در کردستان سرنوشتی مشترک و غیر قابل تفکیک دارند. این سرنوشت



سایت آرشو
مجموعه آثار
منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>

نشریه هفتک

حزب حکمتیست (خبر رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

کردستان برای "تحریم انتخابات" را بازی کند. نه راسان و جنگ نیابتی، نه دریوزگی بر درگاه اطلاعات جمهوری اسلامی و نه پوشیدن لباس مدنی و داعیه جامعه دموکراتیک ... صفحه ۳

را نباید به دست انتخابات ها و مضحکه ها و دروغ و فریب بورژوازی حاکم و اپوزیسیون سپرد. ناسیونالیسم کرد، آبرویخته تر از آن است که بخواهد نقش فراخوان دهنده کارگران و مردم زحمتکش

